

عنوان مقاله:

کاهش مقاومت در برابر تغییر افراد با بکارگیری تئوری محدودیتها

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی مدیریت (سال: 1384)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

پرستو شاه سمندی اصفهانی - کارشناس ارشد صنایع

خلاصه مقاله:

بررسی ادبیات موانع تغییر و مقاومت در برابر تغییر، پیش نیازهایی را برای تغییر موفقیت آمیز پیشنهاد می کند ولی نحوه دستیابی به آنها را ارائه نمی دهد. در صورتی که این گونه پیش نیازها در برنامه تغییر گنجانده نشوند، فرایند تغییر با مانع روبرو میشود و این امر می تواند موجب کندشدن فرایند تغییر یا شکست آن شود. برخی از صاحب نظران استدلال می کنند که در مقاومت مزایایی نهفته است و در میان مدلها و تئوری های موجود، تئوری محدودیت ها است که مقاومت را عنصری لازم و مثبت می داند و استدلال می کند که مدیران لازم است مقاومت را تشخیص داده و آن را برای آزمون و آماده سازی استراتژی های تغییر مورد استفاده قرار دهند تا بتوان اجرای موفقیت آمیز فرایند تغییر را داشت. فرایند تفکر، به عنوان شاخه ای از تئوری محدودیتها، مجموعه ای از ابزارهای منطقی فراهم کرده است بطوریکه می توان از این ابزارها حداکثر استفاده را برای بهبود عملکرد سازمان به عمل آورد. این ابزارها، ابتدا علائم و نشانه های بیماری سیستم را شناسایی می کنند تا اطمینان حاصل شود که سیستم عملکرد مطلوبی ندارد. پس از آن برای پی بردن به علل، علائم و نشانه ها، اجرای اعمال منطقی و نحوه رفع علل محدودیت دست به کار می شوند. در واقع رویکرد تئوری محدودیتها نقشه اجرای تغییر و مدیریت آن را از مرحله شناخت مسئله تا دستیابی به هدف تغییر؛ یعنی بهبود مستمر ترسیم می کند. به این ترتیب، تئوری محدودیتها ابزارهایی برای رفع مقاومت (از بین گرایشها و رفتار قبلی) و تغییر رفتار (پذیرش گرایشها و رفتار جدید) پیشنهاد کرده است که با کارکرد آنها می توان لایه های مقاومت را حین اجرای مراحل تغییر سازمانی شناخت و با ابزارهای مزبور، رفتار آنها را به رفتاری مشارکت جویانه مبدل ساخت و بدین ترتیب افراد سازمان را در تصمیم گیری برای تغییر و اجرای آن متعهد ساخت

کلمات کلیدی:

مدیریت تغییر، مقاومت در برابر تغییر، تئوری محدودیتها، فرایند تفکر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/65955>

